



از نقد صدا و سیما تا کنایه به اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در پاسداشت ابوالفضل سپهر

اگر «سپهر» امروز بود «اتل مثل به کلید» می‌سرود

■ **فرزین ماندگار**
آیین پاسداشت شاعر فقید انقلاب و دفاع مقدس، زنده‌یاد ابوالفضل سپهر در چهلمین شب شاعر سازمان اوج برگزار شد.

مسعود ده‌منکی کارگردان سینما و تلویزیون در مراسم پاسداشت ابوالفضل سپهر در تخلصان اوج گفت: امروز روزگار خوشنماي است و برخی خیلی علاقه‌ای به یادآوری آن روزها ندارند.

هرچند ابوالفضل سپهر امروز اگر بود، از آن گروه نیود که دنبال خوشنمایی باشد، مجله فعالیت بود و از آنجا که اسام فرموده بودند جنگ ما، جنگ عقیده است و این جنگ تمام نمی‌شود، امروز می‌بایم که ۳۰ سال است این جنگ پس از جنگ تحمیلی ادامه دارد و مانند ابوالفضل سپهرها، در این جنگ حضور دارند.

وی افزود: اولین مرتبه که ابوالفضل سپهر مبارزه کنی یا دنبال کار می‌گرددی؟ او گفت: هر دو. همان زمان دفترهای شعرش را هم دیده بودم و به او گفتم که این اشعار احساسی به‌در اینجا نمی‌خورد. وی گفت: غیر از این بلد نیستم، همانجا شعر «مولا ویلا نداشت» علیه‌رژا قزو را به او دادم و گفتم؛ امروز این را کم داریم، بعد برای اینکه کارش را شروع کند، گفتم: اول باید تلفن جواب بدهی و جای بریزی، البته گمان نکنید تلفن جواب دادن کار پیش‌یافته‌ای بود، بلکه یک بخش مهم در مجله، بخش پاسخگویی به مخاطبان بود که سپهر بعد از مدتی کار را یاد گرفت.

حتی یادم هست که پس از قضایای دوم خرداد، تلفن شلمچه پیوسته زنگ می‌خورد و طوری حرف می‌زدند که انگار ما در انتخابات شکست خورده‌ایم و ما چه کاره‌ایم؟ بر برخی تماس می‌گرفتند و فحش می‌دادند. همان زمان از دفتر وزیر ارشاد با مجله تماس گرفتند و ما را به وزارتخانه احضار کردند.

به دفتر آقای اشعری که آن زمان معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد بود رفتم و ایشان که فرد منشری می‌هستند، گفتند: بچه‌هاگ نشر به پشت تلفن فحاشی می‌کنند، گفتم: اشتباه می‌کنید. مخاطبان هستند که تماس می‌گیرند و به بچه‌ها فحش می‌دهند. او برای اینکه خودش مطمئن شود تلفن نشر به را گرفت و همین‌طور که گوشی دستش بود، صورتش سرخ شد. ظاهرأ قبل از آقای اشعری یک نفر تماس گرفته بود و فحش داده بود و بچه‌ها فکر کرده بودند، همان نفر قبل باز هم تماس گرفته، برای همین می‌خواستند از خجالتش دربیایند. ده‌منکی گفت: شلمچه سکوی پرواز سپهر بود، او از موتوری‌هایی بود که شهید شد.

مصطفی محدثی خراسانی از شاعران انقلاب اسلامی نیز در سخنانی عنوان کرد: شعر و ادبیات انقلاب اسلامی در دوره‌های مختلف از انقلاب به شکلی هوشمند حضور داشته است؛ و به مطالبه‌گری پرداخته است و شک ندارم اگر مرحوم سپهر امروز در میان ما بود، مطالبه‌ای از جنس مطالباتی داشت که این روزها مردم ما دارند.

وی افزود: او جریانی را در شعر انقلاب اسلامی انتخاب کرد و به جلو برد که بسیاری ناپاوارانه به آن نگاه می‌کردند و تناسی را میان ظرفیت ادبی و بضاعت شاعر نمی‌دیدند اما حجم کم‌ترده سپهر دغدغهٔ آن را داشت.

در ادامه این مراسم محمدعلی صمدی پژوهشگر عرصه دفاع مقدس با اشاره به اولین دیدارش با مرحوم سپهر گفت: سال ۷۷ در نشریه شلمچه او را با پای گل‌گرف دیدم. در آن دیدار خیلی قیافه گرفته بود و من هم که اخلاقی شبیه به خودش داشتم نتسستم و قیافه گرفته‌ام، اما نمی‌دانم چه شد که با هم رفیق شدیم.

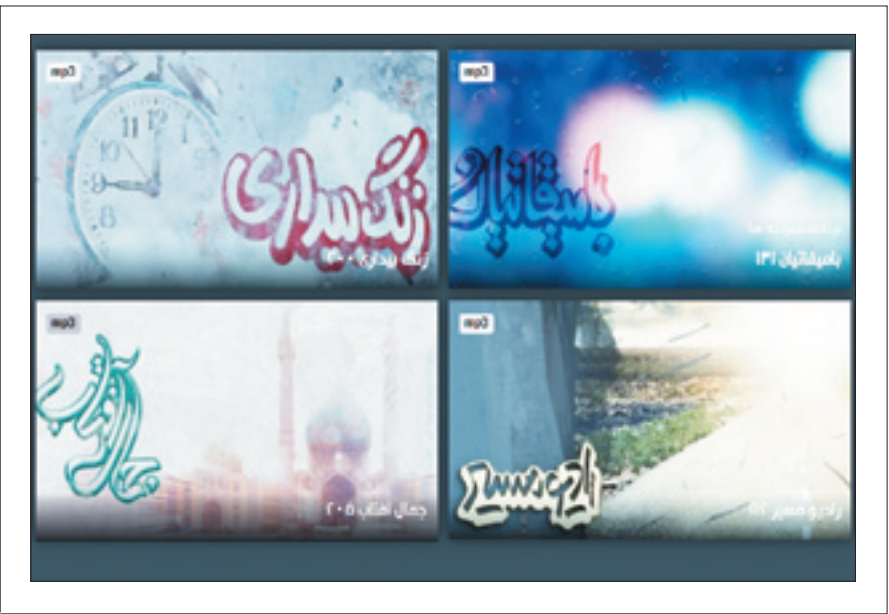
من در خلوت با او بودم اما حرف‌های معنوی که در موردش گفته می‌شود خیلی برام ملموس

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۴۹۸۴۶۴

گفت‌وگو با مؤسس جوان رادیو میقات

از سال ۸۸ خیز فرهنگی برداشتیم



■ **معمومه طاهری**

محمدصادق کوشکی از دیگر فعالان فرهنگی انقلاب اسلامی جوان و مؤسسه شهید آوینی است که چند سالی می‌شود آستین همت بالا زده و به همراه دوستانش یک کار خاص را در فضای مجازی آغاز کرده است: کاری که به قول خودش از هیچ شروع شد و با وجود همه ناملایمات و مشکلاتی که بر سر راه بود توانست آن را سرپا نگه دارد؛ کاری که نامش تقریباً برای همه ما آشناست و کم‌وبیش مخاطب برنامه‌های آن بوده‌ایم. «رادیو میقات» اولین رادیوی اینترنتی کشور است که تولید کار را رادیوی در فضای مجازی دارد و با وجود تعدد رسانه‌های تصویری همچنان تأثیرگذار است. فرصتی دست داد تا با این جوان فعال در عرصه رسانه‌ها گپ‌وگفت کوتاه‌ی داشته باشیم تا از زبان خودش درباره این رادیوی اینترنتی بیشتر بدانیم.

■ ■ ■

چرا اسم کار میقات گذاشتید؟

ما روزی که می‌خواستیم رادیو را تأسیس کنیم تصمیم گرفتیم استخاره کنیم، جالب‌است بدانید در استخاره با قرآن آن آیه‌ای آمد که حضرت موسی به میقات می‌رود، همین باعث شد تا با عزمی راسختر کار را دنبال کنیم و اسم مجموعه خودمان را صدای میقات گذاشتیم؛ یعنی وعده‌گامی که هم مکاشف مشخص است و هم زمانش.

از چه زمانی به فکر راه‌اندازی چنین کاری افتادید؟

صدای میقات از سال ۸۸ تصمیم گرفت یک کار فرهنگی را انجام بدهد و اصلی‌ترین دلیلی که کار را شروع کردیم، خلأ فعالیت رسانه‌ای به خصوص در فضای مجازی توسط نیروهای انقلابی بود. بعد از آن

و عدم شروع شده و مشغول کار رسانه‌ای است و ثابت کرده خواستن توانستن است. می‌شود رادیویی اینترنتی راه‌اندازی کرد و از طریق آن حرف‌های آن شهر یا حرف‌های آن روستا را زد. کاری که نمونه‌اش در رادیو «ری‌نه» یا «رادیو افغانستان» بروز و ظهور پیدا خواهد کرد.

همکاران شما در این رادیو چند نفر هستند؟

کسانی که با رادیو میقات همکاری می‌کنند جمعاً حدود ۳۰ الی ۴۰ نفر هستند، ولی خوب این تعداد کم و زیاد هم می‌شود. گاهی شاید ما با یک، دو یا سه یا چهار نفر مداوم‌تر کار کردیم. گاهی هم افراد جدا شدند یا ما در آن بخشی که کار می‌کردیم لازم ندیدیم کار نکنیم. در کل نیروهای ثابت و یکنواخت نیستند.

همه متخصص رسانه هستند؟

نه، لزوماً مثلاً طلبه‌ها یا بچه‌های خوش صدایی که در مسیر اربعین

آشنای می‌شویم یا در اردوهای جهادی و هیئت‌ها افرادی که تن صدایشان زنگ و آهنگ خوبی دارد، انتخاب می‌کنیم و با آنها گپ می‌زنیم و می‌آیند. یک آموزش ساده می‌بینند سپس کار ریتوری را شروع می‌کنند.

صدای خیلی از این بچه‌هایی را که گفتم ممکن است در مستندها و موشن گرافی‌های خیلی خوب صداوسیما شنیده‌باشید. همه اینها در مجموعه میقات آموزش دیده‌اند و کارشان حرفه‌ای است. در کنار کمک به ما از طریق هنری که به دست آورده‌اند از تراق هم می‌کنند.

فکر می‌کنید تأثیرگذار ترین خروجی کارهایتان چه بوده است؟

به نظر من برخی برنامه‌ها در حد خودشان بسیار اثرگذار و جاذب برای مخاطبان بوده‌اند، مثلاً یکی از تأثیرگذارترین برنامه‌های رادیویی ما برنامه «زنگ بیداری» است که در بعد اجتماعی کار می‌کند و عمدتاً با جامعه خاکستری سروکار دارد. «گیربازار» و «تلنگر» وازه‌هایی هستند که به عنوان سرفصل برنامه‌ها استفاده کردیم یا برنامه «گل‌های یاس» که آن هم از جمله برنامه‌های تأثیرگذار بوده است. شاید در کنار خودمان زیاد بازدید نداشته باشیم، ولی کسانی که این برنامه‌ها را از کانال ما برمی‌دارند و جاهایی دیگر نشر می‌دهند خیلی بازدیدهای بالایی داشته‌اند به طوری که ماس‌فیدبک‌هایش را از همان کانال‌های می‌گیریم.

در بحث تصویر هم فکری می‌کنم تأثیرگذارترین کار «?how is hosen» بوده است. در این برنامه ما از تمام خارجی‌هایی که در اربعین دیدیم مصاحبه گرفتیم؛ کاری به زبان انگلیسی که الحمدلله عالی و خوب شد.

اکبر عبدی: نقش کمدی را جدی بازی نکنی، بیننده نمی‌خندد

کمدی را جدی نمی‌گیریم، و فکر می‌کنیم فیلمی که جدی باشد و مردم را بگریانند، هنری است. حال آنکه کار کمدی سخت‌تر است و همیشه در هر فرهنگی و در هر جای دنیا هنر پیشه‌های کمدی به تعداد انگشتان دست و کمتر از سایر هنر پیشه‌ها هستند.

وی درباره پذیرفتن نقش زن در کارنامه کاری‌اش توضیح داد: وقتی در نقش کمدی، به من پیشنهاد می‌شود به یک منطبق نرسم، آن را قبول نمی‌کنم. بعد از

فیلم سینمایی «آدم برقی» بود که پیشنهادات زیادی به من شد که نقش زن را بازی کنم. اما ما امروز چهار بار این کار را انجام دادم.



فیلم سینمایی «آدم برقی» بود که پیشنهادات زیادی به من شد که نقش زن را بازی کنم. اما ما امروز چهار بار این کار را انجام دادم.

کوبه و گل میخ ثبت جهانی می‌شود

کوبه و گل میخ‌های فلزی و بعدها برنجی و مسی این وسیله ابداع و پس از آن و به‌منظور رعایت مسائل شرعی این دق‌ها به دو نوع تقسیم شد تا صدای آنها برای خواهران و برادران تفکیک باشد. آنها روی دو لنگه درهای چوبی نصب می‌شدند و اینگونه مراجعان را آسوده می‌نمودند تا بدانند تا نواختن کوبه مخصوص خود مرد یا زن خانه در را باز خواهد کرد. کوبه‌های نصب‌شده روی این درها در دو مدل چکشی برای مردان و حلقوی برای زنان بود که در خانه‌های عوام نوع چوبی و فلزی و منازل اشرافی مدل برنجی یا ورشابی آن را نصب می‌کردند. تخریب بافت قدیمی، زردان و سارقان آثار تاریخی را به این فکر انداخت تا در فرصت مناسب این هنر بی‌بدیل تاریخی را از درها باز کرده تا به راحتی بتوانند از طریق شیخ‌نشین‌های سواحل خلیج‌فارس به خریداران غربی برسانند تا در موزه‌های خود مستقر کنند.

شهر تاریخی یزد یکی از مبداهای این سرقت کلان است که سالیان دراز مورد دستبرد قرار می‌گرفت زیرا تعداد این واحدها و بافت تاریخی آن بسیار زیاد است. با گشت‌وگذار در پاساز پروانه تهران می‌توان انواع کولن،

■ **حسن روانشید**
*

آبان ماه سال ۱۳۹۴ خبری روی سایت‌آمد که مفهوم آن این بود: «تاریخ قلاب در کشور به تاراج می‌رود» ، شاید تا آن روز کسی در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پیدا نشده بود تا فلسفه این کوبه‌های دوگانه را روی درهای چوبی که هنوز هم هزاران قطعه از این اثر بی‌بدیل در سراسر کشور و به خصوص بافت‌های سنتی و روستاها روی درهای چوبی خودنمایی می‌کند،تفحص کرده باشد. تخریب خانه‌های قدیمی اگرچه می‌تواند دل‌هایی را به درد آورد و خاطراتی را در مردان و زنان کهنسال این کشور بلرزاند اما این یک اتفاق جدید نیست و روند زندگی و تمدن بشر ناچار می‌سازد تا با آن در جریان باشد.

تاریخ کوبه و گل میخ آنچنان دور است که نمی‌توان مبدای برای آن تعیین کرد اما از زمانی که مردم برای حراست از زندگی خود با استفاده از چوب دری برای مدخل اسکان خود ساختند در این فکر بودند اگر کسی به دیدار این‌ها می‌آید یا کاری دارد به نحوی بتواند حضور خود را پشت این سدهای ورود به اطلاع صاحبخانه برساند، از این نظر با استفاده از دق‌های چوبی و به مرور

دستور تأمل بر انگیز میراث فرهنگی علیه اشتغال پایدار مردمی

■ **محمد صادقی**

مهندس مجید منتظری، مدیر مؤسسه خانه مسافر در واکنش به مصاحبه اخیر معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی مبنی بر توقف صدور مجوز به خانه‌های مسافر گفت:به‌رغم اظهارات آقای محب خدایی مبنی بر عدم صدور مجوز جدید تا ساماندهی نهایی خانه‌های مسافر، ساماندهی خانه‌های مسافر فریب به دو سال است که از طریق سامانه خانه مسافر در حال انجام بوده و در حال حاضر حدود ۱۰ هزار واحد اقامتی در سراسر کشور از این طریق موفق به اخذ پروانه شده‌اند.وی افزود:در حالی که تخمین‌زده می‌شود که بیش از ۲۵۰ هزار خانه مسافر در سراسر کشور قابل شناسایی می‌باشدولی به دلیل بورو کراسی سنگین و ناکارآمد، فرآیند اعطای مجوز به کندی صورت می‌گیرد.

منتظری ادامه داد: در حال حاضر بسیاری از درخواست‌ها در سامانه در حال بررسی توسط مدیران کل استانی سازمان فراز دارد که این پیچیدگی، فرآیند صدور پروانه برای واحدهای اقامتی متقاضی را با مشکل روبه‌رو کرده است.

مدیر مؤسسه خانه مسافر در عین حال خاطر نشان کرد: از معاونت محترم گردشگری انتظار می‌رود که با موضع گیری بی طرفانه و از دیدگاه حاکمیتی یا اگوسیستم گردشگری واحدهای اقامتی هتل‌ها و به صورت تخصصی برخورد کنند. در موضع گیری اخیر ایشان مبنی بر توقف صدور مجوز خانه مسافر و جانبداری از هتل‌ها، بخش اعظم دیگری از امکان اقامتی نادرده گرفته شده و نه تنها باعث ایجاد انحصار می‌شود که خود زمینه‌ساز افزایش قیمت و کاهش کیفیت می‌شود، بلکه با سلب امکان انتخاب فضای اقامتی گردشگران باعث ایجاد نارضایتی مردم و نقض حقوق شهروندی است که منشور آن اخیراً توسط ریاست محترم جمهوری ابلاغ شده است.

منتظری موضع اخیر معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی را مغایر با اهداف کلان دولت دانست و گفت:اهمیت ایجاد اشتغال و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی و منشور حقوق شهروندی با موضع ایشان جانبداری به نفع هتلداران کاملاً با رفتار دولت تدبیر و امید مغایرت دارد مانند اجرای استنارت آپ‌های حمل و نقل شهری و کردولت فضای راقبت را باز گذاشت.وی تأکید کرد:از آنجا که این نامه ایجاد اصلاحات تأسیسات گردشگری و نظارت بر آنها، مصوب ۶/۱۰/۹۴ فرهنگت وزیر می‌باشد و سازمان میراث فرهنگی به دستور وزیر امور خارجه این مصوبه است؛ دستور شفاهی معاون سازمان غیر قانونی و کمی تأمل‌برانگیز است.با توجه به دستورالعمل اجرایی و قوانین حاکم بر صدور مجوز خانه‌های مسافر، بیمه نمودن امکان اقامتی، استانداردسازی شرایط اقامت و تسکین جزو الزامات صاحبان خانه‌ها برای اخذ مجوز است که در حال حاضر با توقف صدور مجوز موجب نارضایتی متقاضیان حائز شرایط شده که به‌رغم هزینه‌های سنگین انجام شده موفق به دریافت پروانه نمی‌شوند.

سختی‌های

«چهارراه استانبول» در سالگرد «پلاسکو»



مصطفی کبیایی در آستانه سالگرد حادثه پلاسکو که به‌چان باختن تعدادی از هموطنان آتش‌نشان منجر شد، ساخت فیلم «چهارراه استانبول» را سخت و پر اساس مستندات موجود درباره این واقعه، عنوان کرد: «۳ دی‌ماه‌اولین سالگرد حادثه پلاسکواست.

در پی این واقعه مصطفی کبیایی فیلمی را با همین موضوع برای نمایش در جشنواره سی‌وششم فجر آماده کرده که این روزها آخرین مراحل فنی خود را پشت سر می‌گذارد و او با توجه به اینکه اخیراً داغدار از دست دادن مادرش شد، یک هفته روند آماده‌سازی فیلم را متوقف کرد و احتمالاً تا چند روز دیگر آن را به پایان می‌رساند.

کبیایی که خود نویسنده‌ی «چهارراه استانبول» را بر عهده داشته‌است، درباره اینکه آیا سختی یا ممانعت خاصی برای ساخت فیلم همراه بود؟ گفت: متأسفانه ساخت این فیلم خیلی سخت بود چون هم به عنوان بخش خصوصی تهیه‌کننده فیلم بودم و هم اینکه وضعت طوری پیش رفت که انگار خیلی از ارگان‌ها رغبت زیادی برای همکاری و همراهی در این موضوع وجود نداشتند و تنها جایی که حمایت کرد خود سازمان آتش‌نشانی بود، یعنی چون می‌دانستند این فیلم درباره قضیه پلاسکو ساخته می‌شود به ما کمک کردند.